

■ **حضرت امیر المؤمنین علی؛**

هر کس باطل را یاری کند، به حق ستم کرده است.

■ **اذان ظهر:** ۱۱:۵۴ ■ **غروب آفتاب:** ۱۷:۴۸  
 ■ **اذان مغرب:** ۱۸:۰۷ ■ **نیمه شب شرعی:** ۲۳:۰۲  
 ■ **اذان صبح فردا:** ۴:۳۶ ■ **طلوع آفتاب فردا:** ۶:۰۰

■ **صاحب امتیاز:** مؤسسه **همشهری**  
 ■ **مدیر مسئول:** عبدال.. گنجی  
 ■ **سرپرست:** دانیال معمار

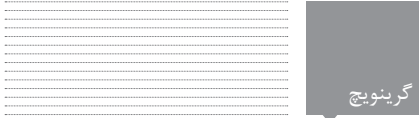
■ **بندیش آگهی:**  
 ■ **تلفن:** ۸۴۳۲۱۰۰۰

■ **توزیع و اشتراک:**  
 مؤسسه نشرگستر امروز تونین  
 ■ **تلفن:** ۶۱۹۳۳۰۰۰

■ **چاپ:** همشهری  
 ■ **تلفن:** ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ **دفتر مرکزی:** تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴  
 ■ **کدپستی:** ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ **تهران، صندوق پستی:** ۱۹۳۵۱۵۴۴۶  
 ■ **تلفن:** ۳۳۰۳۳۰۰۰، شماره: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ **همشهری:** www.hamshahrionline.ir  
 ■ **سایت روزنامه:** newspaper.hamshahrionline.ir



گربنویج

## دستگیری سارق بارانی



علاقه برخی‌ها به سرقت اشیای مشخص، انسان را شگفت‌زده می‌کند؛ درست مثل سارق سرشناسی که بالاخره بعد از ۱۳ سال به دام پلیس افتاده است؛ این سارق، علاقه عجیبی به بارانی داشته و در طول ۱۳ سال، بیش از ۳۶۰کت بارانی درزیده است.
علاقه عجیب این سارق به بارانی، به‌خصوص بارانی‌های زانه، چشان زیاد بوده که مردم محلی بیه او لقب «مرد بارانسی» داده بودند. پلیس گفته است که این مردم ۱۵ساله، هیچ‌گونه سابقه‌ای نداشته و به‌عنوان یک روزنامه‌فروش دوره گرد، زندگی آرامی هم داشته است. او به‌طور مشخص به برند خاصی از بارانی علاقه داشته و بیشتر سرقت‌هایش، از همین بارانی بوده است. او دوچرخه‌سواریان را نشان می‌کرد و وقتی آنها دوچرخشان را پارک می‌کردند بارانی‌هایی را که صاحبان دوچرخه‌ها روی آن‌ها کرده بودند، می‌زدید. او کارش را از سال ۲۰۰۹ شروع کرده بود و سال‌ها هدف شماره یک پلیس اوزاکا بود.

## میهمان عجیب گاوها



حیوانات گاهی با قبول دیگر موجودات در محیط زندگی‌شان موجب حیرت می‌شوند.همان‌طور که پذیرفتن یک حیوان عجیب توسط یک گله گاو، در سراسر جهان خبرساز شده است.ماجرا از این قرار است که یک مزرعه‌دار در آلمان، متوجه شده که گله گاوهاش، یک توله گراز را در میان خود پذیرفته است ویا او مثل گوساله‌های خود رفتار می‌کند.این کشاورز گفته که این توله گراز، احتمالاً وقتی که گله‌اش از نزدیکی مزرعه عبور می‌کرده، جامانده و گم شده است. این توله خیلی زود جذب گله گاوها و برخوردار از حمایت‌های آنها شده است. کشاورز آلمانی گفته است که گرازها، یکی از دشمنان اصلی کشت و کار در این منطقه هستند و مزارع را ویران می‌کنند.با این حال دلش نمی‌آید این چچه گراز را از گله بیرون کند. او همچنین به شکارچیان سپرده است که به این حیوان شلیک نکنند.

## جنجال کروکودیل در انگلیس



اعضای یک خانواده در انگلیس، ادعایی تکان دهنده را مطرح کرده و گفته‌اند که به چشم خود، شناسا کردن ۳ تمساح کروکودیل بزرگ را در ساحل یورکشایر دیده‌اند. سسارا کریون به همراه خانواده خود در پارک دلفین آبی در یوکشایر شمالی اتراق کرده بودند که ناگهان، چیزی در آب توجه آنها را جلب کرده است. ابتدا او و سپس پسرش، چیزی را دیده‌اند که از نظر آنها، شناسا کردن همزمان ۳ تمساح بزرگ بوده است. این ادعا حسابی سر و صدا به پا و بسیاری را نگران کرده است. اما مسئله این است که این حیوان، اصلا در انگلیس زندگی نمی‌کند. یک دانشمند متخصص در زندگی دوزیست‌ها، قاطعانه گفته است که این ادعا نمی‌تواند درست باشد؛ «چیزی که آنها دیده‌اند کروکودیل نیست. دین این گونه‌های گرمسیری در دریای شمال، قطعا نامحتمل است. این موجودات در دریاچه‌ها زندگی می‌کنند و اصلا بومی انگلیس نیستند.» این صحبت‌ها، سردرگمی مردم را بیشتر کرده و حالا آنها می‌گویند اگر این موجودات کروکودیل یا تمساح نبوده‌اند، پس چه بوده‌اند؟ سارا و پسرش، از این موجودات عکس و فیلم گرفته‌اند اما کیفیت آنها اینقدر پایین است که فقط تردیدها را بیشتر می‌کنند.

# همیشه‌ری

خیلی‌ی از ما در خانه‌هایمان، داخل کتوهای آشپزخانه، در یکی از طبقات یخچال یا داخل قفسه یکی از کمد‌ها، یک داروخانه خانگی داریم که پر است از انواع قرص و شربت و گاهی هم آمپول. از آموکسی‌سیلین و اسپرین بگیر تا ایپوروفن و قرص سرماخوردگی. داروهایی که حتی گاهی نمی‌دانیم تاریخ مصرفشان تمام‌شده یا نه، یا اصلا دستور مصرفشان چگونه است. برخی از این داروها، بازمانده‌های نسخه‌هایی است که مدت‌ها قبل پیچیده شده و برخی دیگر داروهایی است که می‌توان بدون نسخه آن را از داروخانه تهیه کرد، مثل مسکن‌ها. اما موضوع مهم اینجاست که این داروها بدون مشورت با پزشک و خودسرانه مصرف می‌شوند که می‌تواند عوارض زیادی به جا بگذارد.

بد نیست بدانید که مصرف دارو در ایران بالاتر از استانداردهای جهانی است، به‌طوری که تحقیقات انجام شده درباره مصرف خودسرانه دارو در کشور نشان می‌دهد، ۱۰ تا ۱۵ درصد دارو در ایران بدون مشورت با پزشک مصرف می‌شوند که در این بین، داروهای مسکن و آنتی‌بیوتیک‌ها بیشترین میزان مصرف خودسرانه را دارند. از عوارض این پدیده هم می‌توان به بستری شدن ۱۰ تا ۲۰



### فرهنگ و زندگی

## پرواز اشباح

**پرواز رمزآلود هزاران هواپیمای بدون مسافر در انگلیس**

انگلیس هم تأیید کرده است که این پروازها، از نظر محیط‌زیستی آسیب‌رسان هستند اما برنامه‌ای برای لغو آنها ندارد اصلا؛ از کجا معلوم که دست مطمئن باشیم این است که هر چند از نظر ما این

کارها غیر منطقی می‌آیند ولی برای صاحبان آن شرکت‌ها و کسب‌وکارها سود زیادی دارند. درست مثل پروازهای تجاری عجیبی که در چند سال اخیر به انگلیس رفته و از آن کشور خارج شده‌اند. گاردین گزارش داده است که از سال ۲۰۱۹ میلادی، ۵هزار هواپیمای مسافربری، مطلقا خالی و بدون حتی یک مسافر به انگلیس رفته و یا از این کشور خارج شده است. این روزنامه همچنین گزارش داده است که ۲۵هزار پرواز هم تقریبا خالی و با کمتر از ۱۰ درصد از گنجایش صندلی‌هایش انجام شده است. این یعنی، ۴۰هزار «پرواز شیخ» در انگلیس انجام شده است، آن هم بدون اینکه مردم بدانند واقعا این پروازها برای چه هستند.

این پروازهای خالی به اروپا و آمریکا و قاره‌های دنیا بوده است و اثرات محیط‌زیستی فاجعه‌باری هم داشته‌اند. سفرهای هوایی، بیشتر از هر فعالیت دیگری در یک ساعت گازهای گلخانه‌ای منتشر می‌کنند و بر خلاف دیگر صنایع، کمتر مورد توجه فعالان محیط‌زیست بوده‌اند. حالا آنها می‌گویند این پروازها، شوکه‌کننده هستند و خواستار اعمال قانون مالیات بر سوسخت جت هستند. دولت



## فراخوان

بی‌تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که می‌بینید، ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برپا ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جانتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح تان که آماده شد یک تماس با شماره ۲۳۰۲۳۴۲۶ برگیرد تا برای رساندنش به ما، راهنمایی‌تان کنیم.

تولید: دانش‌نیان، اشتغال آفرین

## صفحه آخر

گرم‌ن از سرزنش مدعیان اندیشم شیوه مستی و زندی نژود از پیشم

حافظ

## اول آخر

برداشت سنتی برنج در سوادکوه مازندران ■ عکس: حوا احمدی



## آه از انسان‌های فست‌فودی

**عبسی محمدی**

روزنامه‌نگار

نمی‌دانم چه کسی بود که می‌گفت یا جایی نوشته بود که صبر آدمی، یا صبر کردن درباره چیزی که موضوع آن قرار گرفته، نسبت مستقیمی با اهمیت آن چیز نزد شما دارد. اما این یعنی چه؟ شما اگر مشکل قلبی داشته باشید و تنها چند متخصص قلب باشند که بتوانند مشکل‌تان را رفع کنند، هر چند روز و حتی ماه که لازم باشد، منتظر می‌مانید تا نوبت‌تان برسد. در حالی‌که اگر به فلان سوپرمارکت بروید و یک دقیقه بیشتر معطل شوید، سریع راه‌تان را کج می‌کنید و به جایی دیگر می‌روید؛ چرا که می‌دانید و دانسته‌اید که صدها سوپرمارکت هستند که می‌توانند نیاز شما را رفع کنند. در واقع این نیاز شما، شاید اینقدری اهمیت نداشته باشد و تا فردا هم بتوانید صبر کنید که انجامش بدهید. اما آن موضوع قلب، به این راحتی‌ها نیست و شما یک قلب که بیشتر ندارید. چنین است که صبر کردن، نسبت مستقیمی با اهمیت چیزها و ایده‌ها برای شما پیدا می‌کنند.

اما این ماجرا چرا توسط این فرد مطرح شده بود؟ قضیه را به زندگی مدرن امروزی ربط داده بود؛ اینکه انسان مدرن امروزی می‌خواهد همه‌چیز را فست‌فودی و سریع به‌دست بیاورد. به قول نویسنده، حتی این انسان مدرن، اگر وارد حوزه معنویات هم شود، سریع دوست دارد یک خدای فست‌فودی برای خودش دست و پا کند و حاضر نیست که در این زمینه صبر کند. این در حالی است که در نگاه کلاسیک شرقی، شما هزار عمر هم اگر داشته باشید، کم است که صرف کسب و به‌دست آوردن حقیقت کنید. به واقع با چنین نگاهی، شما از پیش به مقصد رسیده‌اید...

این روزها همین نگاه مسموم به صبر و اهمیت چیزها و ایده‌ها، باعث شده تا زندگی‌های چندان جالبی نداشته باشیم. چرا که سریع می‌خواهیم به چیزها و ایده‌ها برسیم. همین ایده سریع رسیدن، باعث می‌شود تا کارها خراب شود. انگار که مثلا بخواهید غذایی بپزید که باید ده یا پانزده ساعت برایش وقت بگذارید، اما دوست دارید یک ساعته تماشش کنید. در این صورت نه حلیم خوبی خواهید خورد و نه سمنوی خوبی خواهید چشید و نه هیچ غذایی دیگری را تجربه خواهید کرد که نیاز به ساعت‌های زیادی برای جا انداخته شدن دارد. بله رفا، صبر چنین چیزی است؛ اگر نباشد که زندگی‌ها هم لطفی نخواهد داشت.

اگر اشتباه نکنم چینی‌ها هستند که ضرب‌المثلی دارند که: آنکه آرام‌تر می‌رود، سریع‌تر می‌رسد. این ضرب‌المثل البته در ظاهر خودش، تناقض بزرگی دارد. مگر می‌شود کسی که آرام‌تر می‌رود، سریع‌تر برسد؟ این، همان ماجرای صبر و صبوری است. شاید برای‌تان جالب باشد بدانید که ایده بزرگ موفقیت در زندگی مدرن، بیشتر از اینکه به‌شدت عمل بستگی داشته باشد، به پیوستگی عمل بستگی دارد. یعنی شما می‌توانید عمل شدیدی داشته باشید، اما الزما انسان موفقنی نباشید و زود خسته شوید. اما می‌توانید عملی با سطح انرژی و شدت کم داشته باشید، اما چون به این عمل همیشه وابسته هستید و حتی یک روز را هم بدون آن نمی‌گذرانید، در نهایت به موفقیت می‌رسید. این جاست که می‌گویند او که آرام‌تر می‌رود، سریع‌تر می‌رسد؛ در حالی‌که شاید با دودوتا چهار ریاضی‌وار چنین چیزی درست از آب در بیاید. جالب اینکه در فرهنگ اسلامی نیز چنین نگاهی به‌شدت وجود دارد. آن‌جا که مهم‌ترین و بهترین عمل نزد خداوند را، عملی می‌دانند که مداوم باشد، ولو اینکه کم باشد. دقت کنید که عمل کم ولی مداوم، شما را به مقصد می‌رساند اما عمل فراوان ولی بدون مداومت، شما را نمی‌تواند به چنین نقطه‌ای برساند. چنین نگاهی، نه تنها در زندگی فردی که حتی در زندگی اجتماعی هم به‌شدت وجود دارد. موضوع چنین نگاهی هم در ابتدا خیاشان هم را تحت است. چرا که در ابتدای امر تصور می‌کنند زمان زیادی برای عمل کردن و جبران کردن دارند، در حالی‌که واقعا چنین نیست. جوان‌ترها ضمن اینکه می‌خواهند سریع و فست‌فودی به همه‌چیز برسند، ولی با این‌حال خیاشان هم را تحت است. چرا که تصور می‌کنند عمر زیادی دارند. این همان نکته طلایی است که درک نشده است؛ اگر ایده و چیزی برای شما اهمیت زیادی دارد، باید زمان زیادی برایش صرف کنید و حتی همین حالا هم دیر است! همین است که باعث می‌شود تا خیلی‌ها دست از ادامه تحصیل بردارند، چون تصور می‌کنند شاید رسیدن به فلان جایگاه علمی یا تخصصی یا... اهمیت لازم را ندارد که این همه زمان بخواهیم صرفش کنیم.

اما چرا اهمیت ندارد؟ این جاست که به موضوع مهم دیگری هم می‌رسیم؛ چه چیزی برای من اهمیت دارد؟ شاید یکی از نقاط ضعف بزرگ زندگی مدرن را بشود در همین جا جست‌وجو کرد: چیزی برای من اهمیت دارد که بیشترین نفع را برای من داشته باشد. این جاست که هم با ایده‌های نفع‌محوری و هم خودمحوری روبه‌رو می‌شویم؛ ایده‌هایی که باعث می‌شود تا زندگی فست‌فودی امروزین مدرن نصفه‌نیمه با ما و دیگران شکل بگیرد. اینکه سریع می‌خواهیم به همه‌چیز برسیم؛ بدون اینکه پله‌پله برویم و زمان لازم را صرف کنیم و اجازه بدهیم تا ایده‌ها و تلاش‌ها به خوبی جا بیفتند؛ نگاهی که هم در زندگی فردی و موفقیت‌های فردی اهمیت بسیاری دارد و هم در زندگی‌ها و موفقیت‌های اجتماعی و عمومی.

بله رفا، کل ماجرا چنین است که می‌گوییم و می‌نویسم: اگر واقعا ایده‌ای اینقدر برایتان ارزش ندارد که بخواهید ساعت‌ها و روزها و ماه‌ها برایش وقت بگذارید، اهمیت زیادی برای‌تان ندارد و در نتیجه در قبال آن به‌شدت بی‌صبر خواهید بود. منشا بسیاری از بی‌صبری و عصبانیت‌های فردی و اجتماعی امروز ما شاید چنین باشد؛ احساس می‌کنیم ایده‌های داریم که باید سریع به دست برسیم، اما حاضر نستیمم فرایند تدریجی جافتان این ایده‌ها در خودمان و زندگی‌مان و حرفه و نگاه و دانشگامان را طی کنیم. وقتی با این شدت به سمت ایده‌ها و چیزها می‌رویم، عملا همه‌چیز «از پیش خراب شده» است. اما وقتی که به قول همان نویسنده اول ماجرا، ایده‌ای و چیزی اینقدر برای‌تان اهمیت دارد که حاضرید همه‌عمر‌تان را هم صبر کنید و منتظر جا افتادنش بمانید، عملا «از پیش رسیده‌اید» و همه‌چیز به خوبی جا می‌افتد. این، شاید یکی از بزرگ‌ترین تفاوت‌های زندگی غربی و شرقی یا زندگی مدرن و غیرمدرن باشد؛ چیزی که هنوز غربی‌ها نتوانسته‌اند حلش کنند و بابت همین، حساسی دارند به شرقی‌ها غبطه می‌خورند...

